

بررسی اهمیت موقعیت جغرافیایی افغانستان در توسعه اقتصادی کشور

حفیظ الله ایوبی*

پوهندوی، دیپارتمنت امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کندز. کندز، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0009-9723-5781> - hafizullahaiuby@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۴)

چکیده

اهمیت افغانستان تا حدودی زیادی از موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی آن منشأ می‌گیرد. در واقع موقعیت جغرافیایی افغانستان به آن حیثیت پل ارتباطی میان کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا را بخشیده است. در شمال آن کشورهای آسیای میانه که مملو از منابع انرژی و در جنوب و شرق آن پاکستان و هند که سخت نیازمند و تشنه انرژی و مواد خام اند، قرار گرفته‌اند، به این اساس افغانستان جایگاه خاص را در منطقه دارا می‌باشد. هدف این مقاله جست‌وجوی اهمیت موقعیت جغرافیایی افغانستان در توسعه اقتصادی کشور بوده و بیان می‌کند که افغانستان چگونه می‌تواند برای خود و سایر کشورهای منطقه مزایای را خلق نماید، روش تحقیق کیفی بوده و در آن از مجلات، کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است، نتایج نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی افغانستان فرصت‌ها و ظرفیت‌های مهمی را در عرصه اقتصادی و سیاسی برای این کشور فراهم کرده است که با مدیریت درست و مدبرانه می‌تواند منجر به توسعه همه‌جانبه گردد. مهم‌ترین این فرصت‌ها عبارت‌اند از افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال، ارتقاء امنیت ملی، توسعه کشور به ویژه در زیرساخت‌های حمل و نقل، افزایش نقش و سهم کشور در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، کمک به توسعه و همگرایی بین همسایگان و در سطح منطقه، تأمین نیازهای اقتصادی کشورهای همسایه و منطقه، توسعه همکاری‌های توریستی، گردشگری و فرهنگی برای کشور گردد.

کلمات کلیدی: افغانستان، تجارت، ترانزیت، توسعه، جغرافیا و منطقه

*. ارجاع: ایوبی، حفیظ الله. (۱۴۰۴). بررسی اهمیت موقعیت جغرافیایی افغانستان در توسعه اقتصادی کشور. مجله

The Importance of Afghanistan's Geographical Location in the Country's Economic Development

Hafizullah Aiuby*

Assistant Prof., Department of Financial and Banking, Faculty of Economy, Kunduz University, Kunduz, Afghanistan.

hafizullahaiuby@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0009-9723-5781>

(Received: 14/07/2025 Accepted: 26/8/2025)

Abstract

The importance of Afghanistan to a large extent originates from its transit and geographical position, in fact, the geographical position of Afghanistan has given it the status of a bridge between the countries of Central Asia and South Asia, in the north of those Central Asian countries that are full of energy resources (gas, electricity) , oil and other raw materials) are located, in the south and east of which Pakistan and India are located, which are in dire need and thirst for energy and raw materials, according to this, Afghanistan has a special position in the region. The purpose of this article is to search for the importance of Afghanistan's position in the region and states how Afghanistan can create advantages for itself and other countries in the region due to its geographical and transit position. The research was conducted in the form of a library and used magazines, books, articles and websites. The results show that Afghanistan's transit location can lead to an increase in national income, job creation, promotion of national security, development of the country, especially in transportation infrastructure, increasing the country's role and contribution in regional and international relations, helping to develop and integrate between Neighbors and at the regional level, providing the economic needs (imports and exports) of the neighboring countries and the region, developing tourism, tourism and cultural cooperation for the country.

Keywords: Afghanistan, Development, Geography and Region, Trade, Transit

*. **Citation:** Aiuby, A. (2025). The importance of Afghanistan's Geographical Location in the Country's Economic Development. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*. 77-90 (46), 35–58.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.71>

مقدمه

اهمیت افغانستان تا حدودی زیادی از موقعیت جغرافیایی آن منشأ می‌گیرد. در واقع افغانستان نقطه تقاطع آسیای میانه، غرب و جنوب آسیا، مرز قدرت‌های خشکی و اقیانوسیه و اردو گاه قدرت‌های مخالف قوی‌تر از آن در منطقه بوده است (دودیال، ۲۰۲۰). موقعیت جغرافیای افغانستان به آن، حیثیت پل ارتباطی میان کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا را بخشیده است. در شمال آن کشورهای سرشار از منابع انرژی گاز، برق، نفت و دیگر مواد خام آسیای مرکزی همچون: ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان و در جنوب و شرق آن دو کشور پاکستان و هند که سخت نیازمند و تشنه انرژی و مواد خام‌اند، قرار گرفته‌اند. این موقعیت، برای افغانستان اهمیت ژئوپلتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ویژه‌ای بخشیده است (طنین، ۱۳۸۴، ص. ۸).

مسئله اساسی و اهمیت موضوع در اینجا است که می‌بایست موقعیت جغرافیای افغانستان منجر به توسعه و شگوفایی این کشور گردد، اما چرا در طول تاریخ نتنها نتوانسته این موقعیت سبب رشد و توسعه اقتصادی گردد؟ بلکه این کشور را به میدان رقابت‌های جهانی بدل کرده و نگذاشته است، مردم این سرزمین از آرامش و آسایش لازم برخوردار بوده باشند.

هدف اصلی این تحقیق جست‌وجوی اهمیت موقعیت جغرافیایی افغانستان در منطقه و نقش آن در توسعه اقتصادی افغانستان بوده و بیان می‌کند که افغانستان چگونه می‌تواند نسبت به موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی خویش برای خود و سایر کشورهای منطقه مزایای را خلق نموده و منجر به توسعه اقتصادی گردد.

افغانستان به لحاظ موقعیت ژئوپلتیکی و بخاطر همجواری با کشورهای آسیای میانه به عنوان یکی از منابع مهم انرژی در منطقه و جهان می‌تواند در انکشاف اقتصاد منطقه نقش اساسی داشته باشد، از آنجایی که کشورهای آسیای میانه محاط به خشکی هستند، انتقال نفت و گاز از این منطقه به بازارهای مصرفی کشورهای دیگر نیازمند ایجاد خطوط لوله‌های متنوع است، موقعیت ژئوپلتیک افغانستان این ظرفیت را دارد تا انتقال انرژی آسیای میانه را به جنوب آسیا تسهیل کند (علی‌رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). و به‌عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی در مقایسه با مسیرهای جایگزین، می‌تواند کوتاه‌ترین و به صرفه‌ترین مسیرهای جاده‌ای، خطوط آهن، خطوط انتقال گاز و برق بین آسیای مرکزی و جنوبی را فراهم کند (سروش، ۱۳۹۴، ص. ۴۸۲). عبور این خطوط ترانزیتی به دیگر کشورها باعث استحکام روابط

سیاسی و اقتصادی بین کشورهای همسایه گردیده و ثبات و صلح به ارمغان می‌آورد (علی‌رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰).

علاوه بر مسایل فوق، افغانستان دارای ذخایر و ظرفیت قوی اقتصادی، معادن قیمتی و منابع زیر زمین (تخمیناً سه تریلیون دالر امریکایی) و آب‌های کافی است، عناصر کمیاب مانند لیتیوم، یورانیم، معادن مس، احجار قیمتی، گاز، آهن و انواع ثروت‌های زیر زمینی به خصوص نیروی کار ارزان در افغانستان از جمله مسایل است که کشورهای منطقه به آن اهمیت می‌دهند (رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۱۶). و ضرورت اهمیت تحقیق را فراهم می‌سازند.

با تلاش‌های زیاد که انجام دادم نتوانستم تحقیق مشابه را در داخل کشور یا از خارجی که تحت عین عنوان کار شده باشد دریافت نکردم، اما عنوان وجود داشت که بسیار اندک شباهت داشته‌که از ورود آن منحنی پیشینه‌ای تحقیق ابا ورزیدم.

با در نظر داشت همه مسایل که در فوق مطرح گردید سوال اساسی تحقیق این است که آیا موقعیت جغرافیای افغانستان بالای توسعه اقتصادی آن مؤثر است یاخیر؟

مبانی نظری تحقیق

الف. اهمیت موقعیت جغرافیایی افغانستان: افغانستان از قدیم تا امروز از دیدگاه ژئوپولتیک و ژئو استراتژیک اهمیت خاصی در منطقه دارد (غیاثی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲). به دلیل موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل ارتباطی بری (بینا، ۱۳۸۷، ص. ۱). میان مراکز تمدن‌ها و فرهنگ‌های چین، هند، بین النهرین، سواحل شرقی بحیره مدیترانه، مصر، یونان قدیم و روم باستان نقش حیاتی را در رونق تجارت، آشنایی و تبادل فرهنگ‌ها بازی کرده است، این اهمیت استراتژیک بوده که محققان اصطلاح چهار راه تلاقی فرهنگ‌ها و مدنیت‌ها را بر این کشور اطلاق کردند، نخستین مرکز سیاسی و فرهنگی افغانستان که در بلخ باستان موقعیت داشت را به لقب جوهر شرق نامیده اند، افغانستان با قدامت تاریخی که دارد پنج دوره تمدنی و فرهنگی (دوره تمدن ویدی، اوستایی، یونان و باختری، یونان و بودایی و تمدن اسلامی) را شاهد بوده و نقش مهم را در تبادل این تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بازی کرده است، که از آن جمله می‌توان به مسیر اصلی جاده ابریشم در افغانستان اشاره نمود (رهنوردغلامی، ۱۳۹۸، ص. ۵).

افغانستان حتی بعد از کشف راه بحری تا دیر زمان منحنی راه خشکه موقعیت خود را از دست نداد، ابریشم و پارچه‌های ابریشمی در امپراطور روم خریداران زیاد داشت، بنابر آن کاروان‌های شتر بین کاشغر و ختن شهرهای شام و بنادر بحیره روم در حرکت بود، کسی که راه

خشکه بین یونان و باختر را کشف کرد یک نفر از تجاران مقدونیه موسوم به (ما تساتی تیانوس) بود این تاجر با این کشف مراکز تجارتی شمال افغانستان مخصوصاً بلخ را با سواحل بحری شهر روم و بنادر آن متصل ساخت که علت اصلی این کشف موضوع تجارت و خرید ابریشم بود (امین، ۱۳۴۹، ص. ۱۱۰).

افغانستان در مرکز آسیا (غبار، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱) میان چهار منطقه پرجمعیت جهان و سرشار از منابع معدنی در میان آسیای جنوبی، آسیای مرکزی-شمالی، شرق میانه و شرق دور قرار داشته (بینا، ۱۳۸۷، ص. ۱۰). و با همسایگان خود ۵۵۱۴ کیلومتر مرز مشترک دارد که این مرز مشترک با همسایگان شمالی ۲۳۸۴ کیلومتر، با ایالات سین کیانگ چین تقریباً ۷۵ کیلومتر، با ایران ۹۴۵ کیلومتر و با پاکستان حدوداً ۲۲۴۰ کیلومتر می‌باشد (رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۸).

دو نقطه عبور بالای سرحدات مشترک افغانستان و پاکستان مانند تورخم و اسپین بولدک قرار دارد و مال التجاره افغانستان از طریق کراچی به طرف امریکا اندونیزیا، شرق دور و استرالیا صادر می‌شود، یک نقطه عبور بالای سرحد مشترک بین افغانستان-ایران و سه نقطه بالای سرحدات مشترک افغانستان و اتحاد شوروی مانند: شیر خان بندر تاشگزر و تورغندی وجود دارد که مال التجاره ازین راه به طرف بنادر هامبورک، لندن، جینوا و مملک اروپای صادر می‌گردد.

فاصله افغانستان با آب‌های آزاد ۱۷۰۰ km از اسلام قلعه تا بندر عباس (خلیج فارس و دریای عمان) ۹۰۰ km از زرنج تا بندر چابهار (دریای عمان و بحرهند) ۱۸۰۰ km از تورخم به کراچی (دریای عرب و بحر هند) و ۱۲۷۰ کیلومتر از اسپین بولدک به کراچی می‌باشد (دوست، ۱۳۵۳، ص. ۳۰۵). موجودیت همین فاصله‌ها و عدم اتصال به بحر می‌تواند تجارت خارجی را به مشکل مواجه نموده و احتمالاً یکی از عوامل عقب مانده گی تجارت خارجی افغانستان محسوب گردد (امین، ۱۳۴۹، ص. ۱۱۲).

ب. اهمیت اقتصادی افغانستان برای کشورهای منطقه

موقعیت استراتژیک افغانستان باعث مبدل شدن این کشور به یک منطقه حایل در دوره رقابت دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیا در قرن ۱۹ و جنگ سرد در قرن ۲۰ گردیده بود. این موقعیت خاص جغرافیایی در قرن حاضر نیز باعث توجه جدی غرب و بخصوص ایالات متحده در حضور مسقیم و دراز مدت برای پیگیری منافع ژئواستراتژیک غرب در منطقه گردیده است (رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱).

افغانستان به عنوان پل ارتباطی بری میان شبه قاره هند، آسیای مرکزی و خلیج فارس از اهمیت ژئوپولیتیک و اقتصادی بسزایی برخوردار است. نظر بعضی از اعضای جامعه بین المللی این است که بیشتر مشکلات امنیتی و ثبات جهان از شرق میانه و منطقه‌ای که افغانستان را احاطه کرده است سرچشمه می‌گیرد. بناً امنیت و ثبات افغانستان نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای تمام جهان اهمیت حیاتی دارد. برخلاف چین و فدراتیف روسیه دیگر کشورها عمده دسترسی عملی به ذخایر بزرگ انرژی آسیای میانه و منطقه بحیره کاسپین نداشته و در تلاش این هستند تا از این منابع در چوکات روابط اقتصاد بازار مستفید گردند. افغانستان می‌تواند یکی از گزینه‌ها برای احداث زیربنای انتقال منابع انرژی باشد (بینا، ۱۳۸۷، ص. ۱).

ثبات پایدار اقتصادی و توسعه سیاسی کشورهای همسایه و منطقه با توسعه و ثبات این کشور گره خورده است، افغانستان با اتخاذ سیاست تقویت امنیت و حکومتداری خوب در کنار فراهم ساختن زمینه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ایجاد و توسعه شبکه‌های مواصلاتی و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی برای همگرایی منطقه‌ای می‌تواند نقش مؤثر ایفا نماید (رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۱۷).

به همین منظور هندوستان می‌خواهد با تجهیز هرچه بیش‌تر بندر چابهار روابط تجاری‌اش را با منطقه و حتی اروپا از راه خشکه پیوند دهد، چین در این اواخر پروژه بزرگ یک راه یک کمربند و جاده ابریشم را روی دست گرفته است (دودیال، ۲۰۲۰).

چین در حاشیه پروژه بزرگ (یک کمربند یک جاده)، علاقمند وصل شدن به خاور میانه از طریق افغانستان است و کریدور بزرگ اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) بوده و آن را آغاز نموده است، ایران نیز می‌خواهد شریک فعال تجارتي در منطقه گردد و تمایل دارد به کشورهای آسیای میانه به خصوص اوزبیکستان و تاجکستان از طریق افغانستان راه پیدا کند، (سروش، ۱۳۹۴، ص. ۴۸۲)، از جانب دیگر، کشورهای آسیای میانه با منابع غنی انرژی (برق، نفت و گاز)، در تلاش‌اند، منابع خویش را به جنوب آسیا به خصوص کشورهای پاکستان و هند انتقال دهند که مثال‌های عملی آن پروژه‌های تاپی و کاسا یک‌هزار می‌باشد، از سوی دیگر، کشورهای جنوب آسیا مشتاق عرضه کالاهای خویش در بازارهای آسیای میانه‌اند، سازمان‌های منطقوی شانک‌های، سارک، ایکو و آسیان نیز اهمیت افغانستان را دریافته‌اند (دودیال، ۲۰۲۰)، از این جهت برای کشورهای منطقه داشتن تعامل نیک با افغانستان از جمله ضروریات کشورشان محسوب می‌شود (ایوبی، ۱۴۰۲، ص. ۶۸).

در طول تاریخ موقعیت جغرافیایی افغانستان فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را نصیب مردم این کشور ساخته است. از یکسو، این کشور به مثابه مسیر راه باستانی ابریشم برای قرن‌های متمادی، اروپا و آسیا را به هم متصل ساخته است و به مثابه پلی برای انتقال اموال تجارتي و اندیشه‌ها به قاره‌های مختلف مؤثر واقع شده است (رحیمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۱۶). از سوی دیگر، موقعیت مهم استراتژیک افغانستان طی ادوار تاریخی به حیث یک بستر گرم رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای مبدل گردیده است که در زمینه تا اندازه‌ی موقعیت جغرافیایی آن و تا حدودی هم غنای آن از لحاظ منابع طبیعی و قسماً کاستی در دیپلوماسی فعال منطقه‌ای در افغانستان، انگیزه این رقابت‌ها بوده است. با وصف آنکه سطح تحرکات رقابت‌های فوق تغییر نموده است، ولی هنوز هم منحصراً یک منبع اساسی بی ثباتی در کشور تلقی می‌گردد. سقوط اتحاد جماهیر شوروی و ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی در مناطق همجوار (چین و جاپان در شرق دور، هندوستان در آسیای جنوبی، روسیه فدراتیف و تا حدودی هم قزاقستان در آسیای مرکزی، ترکیه، ایران و امارات متحده عرب در شرق میانه) چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را در برابر همکاری‌های منطقه‌ای به میان آورده‌اند (بینا، ۱۳۸۷، ص. ۳). افغانستان به عنوان پل انرژی وصل‌کننده کشورهای غنی انرژی به کشورهای نیازمند انرژی- می‌تواند نقش مؤثری برای جلب همکاری کشورهای منطقه جهت همگرایی منطقه‌ای و تأمین امنیت در افغانستان بازی کند (ایوبی، ۱۴۰۲، ص. ۶۸).

در حقیقت، برای کشورهای محصور به خشکه همچو افغانستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی، همگرایی منطقه‌ای ضروری است. افزایش همگرایی منطقه‌ای نه تنها بازرگانی و ارتباط درون منطقه‌ای را افزایش می‌دهد که همچنان، با ایجاد ارتباط این حوزه با مارکت خارجی به گونه گسترده همگرایی را فراتر از مارکت منطقه در سطح اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد (دودپال، ۲۰۲۰).

با توجه به آنچه بیان شد، افغانستان با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک‌اش می‌تواند نقش مهم و کلیدی را برای همگرایی اقتصادی و سیاسی منطقه ایفا کند. برای استفاده بهینه از این موقعیت ضرورت است؛ تا افغانستان تلاش کنند روابط خود را در عرصه‌های مختلف با کشورهای منطقه تقویت بخشیده، با استفاده از فرصت‌ها و نیازهای اقتصادی کشورها در جهت کاهش مناقشات و افزایش همکاری اقتصادی و سیاسی خود با این کشورها بکوشد. به این گونه، افغانستان می‌تواند جایگاه تاریخی خود را به عنوان چهارراه تجارتي منطقه زنده ساخته و شرایط اقتصادی و سیاسی بهتری را برای شهروندان فراهم سازد.

ج. جغرافیای افغانستان عامل برای توسعه اقتصادی

افغانستان از نگاه جغرافیای در مرکز آسیا حیثیت چهار راه را در بین مناطق بزرگ این قاره دارد (غبار، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱). از آنجایی که کشورهای آسیای میانه محاط به خشکی هستند، انتقال نفت و گاز از این منطقه به بازارهای مصرف کشورهای دیگر نیازمند ایجاد خطوط لوله‌های متنوع است، موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان این پتانسیل را دارد (علیرضایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰). به عنوان کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی، نقش کلیدی در باز کردن پتانسیل هم‌تکمیلی تجاری بین این دو منطقه و در نتیجه ایجاد تجارت نو در کل منطقه دارد. در مقایسه با مسیرهای جایگزین، افغانستان می‌تواند، کوتاه‌ترین و به صرفه‌ترین مسیرهای جاده‌ای، خطوط آهن و خطوط انتقال گاز و برق بین آسیای مرکزی و جنوبی را فراهم کند (سروش، ۱۳۹۴، ص. ۴۸۲). عبور خطوط لوله گاز و نفت از کشور افغانستان به دیگر کشورها باعث استحکام روابط بین کشورهای همسایه گردید، ثبات و صلح به ارمغان می‌آورد (علیرضایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰).

یکی از پروژه‌های انتقال انرژی گاز که از افغانستان می‌گذرد و کشورهای منطقه را به هم وصل می‌کند خط لوله تاپی است. تاپی (TAPI) نامی ست برای پروژه خط انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و از پاکستان به هند. این پروژه که قرارداد آن در سال ۲۰۱۰ در اسلام‌آباد به امضای نمایندگان چهار کشور رسیده بود، کار عملی آن در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵ با حضور رئیس‌جمهور افغانستان، رئیس‌جمهور ترکمنستان، نخست‌وزیر پاکستان و معاون رئیس‌جمهور هندوستان در شهر "ماري" ترکمنستان گشایش یافت. در این قرارداد ترکمنستان به عنوان فراهم‌کننده گاز یا فروشنده، و کشورهای پاکستان و هند به عنوان استفاده‌کننده‌های اصلی گاز و خریدار، و افغانستان به عنوان کشور عبوردهنده پایپ‌لاین گاز و استفاده‌کننده کوچک این پروژه می‌باشد (رضایی‌ارجرودی، تسبیحی و شهنی دزفولیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۶).

منافع اقتصادی مستقیم این پروژه برای افغانستان با توجه به آن‌چه تا حال بیان شده است، استفاده ۱۶ درصدی از این گاز در بدل پرداخت پول و دریافت سالانه ۴۰۰ میلیون دالر به عنوان حق ترانزیت است. از دیگر منافع اقتصادی این پروژه برای افغانستان، می‌توان از ایجاد شغل برای شهروندان این کشور در جریان کارهای عملی پروژه در داخل این کشور نام برد (آریا، ۱۳۹۴، ص. ۳).

به همین گونه پروژه دیگری که در چند سال گذشته روی دست گرفته شده و شرایط را برای ایفای نقش اقتصادی افغانستان فراهم ساخت است، پروژه برق کاسا-۱۰۰۰ (CASA-۱۰۰۰) است. کاسا-۱۰۰۰ به عنوان یکی از مهم ترین زیرساخت های بازار منطقه ای انرژی برق، با ظرفیت انتقال ۱۳۰۰ مگاوات از کشورهای قرغیزستان و تاجیکستان به کشور پاکستان، بستر بسیار مناسبی را برای آغاز معاملات خرید و فروش انرژی برق در منطقه فراهم می نماید. با انتقال انرژی برق از آسیای مرکزی به آسیای جنوبی از مسیر افغانستان، منافع اقتصادی مشترک کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی در یک تجارت منطقه ای تأمین خواهد شد. نقش افغانستان به عنوان یک کشور مؤثر در ترانزیت انرژی برق در منطقه تثبیت گردیده و در عین حال حضور و کسب عواید حاصل از ترانزیت انرژی برق در این پروژه، عاملی برای تقویت ثبات و رشد اقتصادی افغانستان خواهد بود (ایوبی، ۱۴۰۲، ص. ۶۹).

در صورت اجرای این پروژه افغانستان در مدت ۱۵ سال، سالانه مبلغ ۴۵ الی ۶۵ میلیون دلار به عنوان کشور ترانزیت عاید خواهد داشت. افغانستان به ازای هر کیلووات ساعت برق که از طریق این کشور به پاکستان صادر می شود ۱.۲۵۵ سنت حق العبور دریافت خواهد کرد. از طرف دیگر انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ می تواند؛ تا افغانستان را از فشار مالی حاصل از واردات سوخت و همچنان بهبود خدمات کمک نماید. افغانستان از این پروژه ۳۰۰ مگاوات برق را به قیمت نازل خریداری خواهد کرد (ترابی و صانعی، ۱۳۹۵، ص. ۱).

بنابراین، افغانستان با واقع شدن در میان این دو منطقه، ظرفیت بالقوه تبدیل شدن به یک بازار مهم انرژی در منطقه را دارا می باشد. این نقش افغانستان از یک سو می تواند به رشد اقتصادی این دو منطقه و گسترش همکاری میان آنها کمک کند، از سوی دیگر می تواند منافع کلان اقتصادی و سیاسی را برای افغانستان در پی داشته باشد.

همچنان جاده ابریشم که بیش از دو هزار سال پیش مورد استفاده قرار میگرفت، کماکان در جهان بسیار شهرت دارد. جاده ابریشم به عنوان پلی بین چین و کشورهای اروپای، آسیای و آفریقای است (احمدیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۰).

باید توجه داشت که «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم جدید صرفاً یک جاده نیست، طرحی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ژئوپولیتیکی با فرآیندی باز و چند قطبی است که تقریباً تمام کشورهای موجود در مسیر را در بر می گیرد. قرار است، تحقق این طرح عاملی برای رشد و شکوفایی کشورهای فعال در پروژه شود (ترابی و صانعی، ۱۳۹۵، ص. ۱).

با استفاده از راه ابریشم افغانستان می‌تواند به کشورهای شرق دور و اروپایی صادرات داشته باشد. با اجرایی شدن پروژه جدید ابریشم، افغانستان می‌تواند یک بار دیگر جایگاه تاریخی خود را در عرصه اقتصاد و فرهنگ باز یابد و به یکی از کانون‌های مهم ترانزیت و تجارت در منطقه مبدل شود. تأسیس این جاده باعث گسترش هرچه بیشتر روابط بازرگانی و حمل و نقل میان کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا از یک سو، و تقویت روابط بازرگانی شرق دور با غرب آسیا و نهایتاً اروپا خواهد شد. افغانستان با قرار گرفتن در قلب این مسیر، شریان‌های اقتصادی منطقه را فعال خواهد ساخت و از این طریق می‌تواند منافع کشورهای منطقه را با منافع افغانستان گره زند و این کشورها را برای همکاری و همگرایی منطقه‌ای آماده سازد (احمدیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۰).

همچنان مسیر دیگری که به افغانستان خیلی با اهمیت است مسیر لاجورد می‌باشد و هدف آن عبارت از افزایش همکاری تجاری، اتصال اقتصاد منطقه‌ای میان کشورهای افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه بوده که توسط آن، روابط اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای آسیایی و اروپایی گسترش می‌یابد که انتقال کالا از طریق سرک، ریل و بحر صورت گرفته و فرصت‌های شغلی و اقتصادی را برای شهروندان کشور مهیا می‌سازد. در این مورد نشست‌های مباحثاتی صورت گرفته و این دهلیز ترانزیتی از بندر آقینه ولایت فاریاب و بندر تورغندی ولایت هرات آغاز شده تا به بندر ترکمن باشی در ترکمنستان می‌رسد و بعداً از بحیره کاسپین گذشته به بندر باکو در آذربایجان میانجامد و سپس به گرجستان و نهایتاً این دهلیز به شهر استانبول کشور ترکیه در قسمت تماس به اروپا می‌پیوندد (صمیمی، ۲۰۱۸، ص. ۱۲).

نام لاجورد مشتق از مسیر تاریخی که لاجورد افغانستان و سایر سنگ‌های قیمتی بیشتر از ۲۰۰۰ سال قبل به قفقاز، روسیه، بالکان، اروپا و شمال آفریقا تجارت می‌گردید مشتق شده است. راه لاجورد اهمیت‌های را برای افغانستان دارا می‌باشد:

راه لاجورد مسیر کوتاه، ارزان و مطمئن برای وصل شدن افغانستان به اروپا است، کشورهای منطقه می‌تواند کالاهای خود را با سرعت بیشتر نسبت به مسیر دریایی به اروپا انتقال دهد، منجر به انکشاف تجارت بین الملل و توسعه صنعت توریسم میگردد، باعث رشد پیوند حمل‌ونقل بین کشورهای منطقه و کاهش هزینه حمل‌ونقل شده و درآمدهای ارزی را افزایش می‌دهد، راه لاجورد نسبت به راه پاکستان از لحاظ اقتصادی کم هزینه است و نهایتاً

راه لاجورد وابستگی افغانستان را به پاکستان و ایران کاهش داده و اموال مورد نیاز خویش را از چین و اروپا وارد می‌نماید (صمیمی، ۲۰۱۸، ص. ۱۲).

د. منابع آبی افغانستان منبع برای توسعه

هیدروپلیتیک از عواملی است که قطعاً در آینده نظام بین‌الملل نقش بسیار بارزی خواهد داشت و خود عامل دسته‌بندی‌های سیاسی- منطقه‌ای جدید در بین کشورها خواهد گردید. در آینده کشورهای دارای این منابع از برگ برنده ملی و موقعیت استراتژیک در نظام بین‌الملل برخوردار خواهند بود (رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۶).

قرار گرفتن سرچشمه‌های بسیاری از رودخانه‌های افغانستان که سرانجام به کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد، فرصت مهمی برای افغانستان در تدوین مناسبات با استفاده از این کدهای ژئوپولیتیک فراهم نموده است. استفاده صحیح از این کدها و اتخاذ یک سیاست هیدروپولتیکی مناسب و همگرایی افغانستان را در مسیر صلح و دوستی و بهره‌برداری اقتصادی مناسب از این کدها رهنمون خواهد ساخت. توسعه مناطق مرزی که در مسیر این رودخانه‌ها قرار گرفته‌اند، نخستین نتیجه این سیاست خواهد بود (رحیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۶).

افغانستان در چند سال اخیر تلاش کرده است؛ تا با اعمار سدهای آب‌گردان بالای دریاها و رودخانه‌های مختلف کشور آب‌های خود را مدیریت کرده از هدر رفتن این آب‌ها جلوگیری کند؛ اما این مدیریت آب‌های کشور باتوجه به اهمیتی که آب برای کشورهای همسایه افغانستان دارد واکنش برخی از این کشورها را برانگیخته است. زمانی که سد سلما در ولایت هرات به بهره‌برداری سپرده شد روزنامه "هفت صبح" ایران با تیتری؛ بزرگترین پروژه زیربنایی افغانستان، تأمین آب شهر مشهد را به بحران می‌کشاند؟ نگرانی خود را در مورد بیان داشت.

بسیاری دیگر از روزنامه‌های ایران از چند سال پیش نگرانی خود را در مورد بیان کرده بودند؛ روزنامه شرق در گزارشی که ششم آبان ۱۳۹۲ منتشر شد در مطلبی با تیتر «خشکی در کمین شرق ایران» که با عناوین دیگری مثل «افغان‌ها مشهد را خشک می‌کنند؟» در رسانه‌ها بازتاب داشت، به نقد سد سلما می‌رود. ۲۵ آبان ۱۳۹۲، روزنامه جام‌جم هم در گزارشی با تیتر «هریرود به روی مشهدی‌ها بسته می‌شود».

بنابراین، می‌توان گفت که امروز موضوع آب یکی از مسایل مهم برای کشورها است. البته این بدان معنا نیست که مدیریت آب‌های افغانستان کشمکش‌ها را میان افغانستان و

همسایگانش افزایش می‌دهد؛ بلکه مدیریت آب‌های افغانستان کشورهای همسایه افغانستان را وادار می‌کند تا برای بدست آوردن امتیاز در زمینه آب، همکاری‌های خود را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتا فرهنگی با افغانستان گسترش دهند و تلاش کننده از هر راه ممکن همکاری افغانستان را با خود داشته باشند. به این ترتیب، افغانستان با مدیریت درست آب‌های خود و دیپلماسی سازنده با کشورهای همسایه می‌تواند از این منبع برای صلح، سازندگی، بازسازی و توسعه در افغانستان و گسترش روابط سودمند و دوستانه با کشورهای منطقه استفاده کند (رضایی‌ارجرودی، تسبیحی و شهنی دزفولیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۶).

یافته‌های تحقیق

افغانستان از موقعیت ویژه جغرافیایی برخوردار است. آنچه که افغانستان را با اهمیت ساخته است، جغرافیای این کشور است. افغانستان با قرار گرفتن در میان سه حوزه فرهنگی و اقتصادی و ژئوپولیتیک منطقه از جایگاه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ویژه‌ای برخوردار است. این موقعیت جغرافیایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های مهمی را در عرصه اقتصادی و سیاسی برای این کشور فراهم کرده است که با مدیریت درست و مدبرانه می‌تواند آینده درخشانی را برای کشور رقم زند و موجب شگوفایی اقتصادی و توسعه همه‌جانبه در کشور گردد. در زیر مهم‌ترین این فرصت‌ها و ظرفیت‌ها به گونه کوتاه بیان می‌گردد:

نمونه‌های روشن این گونه همکاری‌ها پروژه خط انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند بنام (تاپی)، پروژه انتقال ۱۳۰۰ مگاوات برق از کشورهای قرغیزستان و تاجیکستان به کشور پاکستان (کاسا-۱۰۰۰)، قرار گرفتن سرچشمه‌های بسیاری از رودخانه‌ها که به کشورهای همسایه سرازیر می‌شوند و جاده ابریشم فرصت‌های است که می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و در کل برای توسعه در افغانستان مؤثر باشد.

نمونه‌های یاد شده منجر به افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال، ارتقاء امنیت ملی، توسعه کشور به‌ویژه در زیرساخت‌های حمل و نقل، افزایش نقش و سهم کشور در مناسبات منطقه و بین‌المللی، کمک به توسعه و همگرایی بین همسایگان و در سطح منطقه، تأمین نیازهای اقتصادی (واردات و صادرات) کشورهای همسایه و منطقه، توسعه همکاری‌های توریستی، گردشگری و فرهنگی برای کشور گردد.

مناقشه

برای اولین بار دانشمند و اقتصاددان امریکایی رالی بارلو (Raleigh Barlow) مسایل مناطق اقتصادی را مطرح ساخت، چنانچه ازاون تونن "Von thunen" وایبر "Weber"، پلان در

"Palunder" هات لینک "Hotelling"، پری دول "Predohl"، کریس تالر "Chirstaller"، لوسچ "Losch" و غیره می‌توان یاد نمود. ایشان از مقدمان اقتصاد منطقوی بودند. بعد از جنگ جهانی دوم به موضوعات موقعیت جغرافیایی و مسایل مرتبط به آن پرداخته شد، مفاهیم و مطالعاتی درباره چوکات تحلیلی بوجود آمد و روی ترانزیت و همگرایی منطقه‌ای تأکید صورت گرفت.

تحقیق هذا با تایید نتایج تحقیق که در فوق ذکر گردیده، بیان می‌کند که موقعیت جغرافیای افغانستان می‌تواند منجر به افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال، ارتقاء امنیت ملی، توسعه کشور به‌ویژه در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، افزایش نقش و سهم کشور در مناسبات منطقه و بین‌المللی، کمک به توسعه و همگرایی بین همسایگان و در سطح منطقه، تأمین نیازهای اقتصادی (واردات و صادرات) کشورهای همسایه و منطقه، توسعه همکاری‌های توریستی، گردشگری و فرهنگی برای کشور گردد.

نتیجه‌گیری

آنچه که افغانستان را با اهمیت ساخته است، جغرافیای این کشور است. افغانستان با قرار گرفتن در میان کشورهای غنی انرژی آسیای مرکزی و کشورهای فقیر انرژی آسیای جنوبی به عنوان پل وصل کننده این دو حوزه از ظرفیت بالقوه بالای برای ایفای نقش ترانزیتی، بازرگانی و ترانسپورتی برخوردار است، تلاش‌های چند سال گذشته دولت‌های افغانستان و کشورهای منطقه برای گسترش همکاری در زمینه‌های متعدد به‌ویژه راه‌اندازی پروژه‌های انتقال انرژی گاز و برق می‌تواند این ظرفیت بالقوه را به‌عمل بدل سازد، نمونه‌های روشن این گونه همکاری‌ها (تاپی)، (کاسا-۱۰۰۰)، راه ابریشم، لاجورد، کریدور واخان، وصل شدن افغانستان به خطوط آهن منطقه و جهان، برقراری ارتباط ریلی بین چین و افغانستان، آغاز مطالعات طرح ترانزیتی (یک راه، یک کمر بند)، افتتاح بندر چابهار و موضوع پنج بندر خشکه می‌باشد.

پیشنهادهات

۱. ایجاد بستر مساعد برای همکاری بین دولت‌ها، سازمان‌های منطقوی و جهانی شامل تأمین امنیت، تأمین ارتباطات، ایجاد شبکه‌ها، توسعه زیربنایها؛
۲. ایجاد یک دورنمای اقتصادی و استراتژی ملی توسط دولت برای کشور، منطقه و جهان؛

۳. توسعه هرچه بیشتر همکاری‌های منطقه‌ای جهت تولید، انتقال و تجارت برق، خط لوله‌های نفت و گاز، شبکه‌های مخابراتی، فایبر نوری، خط آهن و شاهراه‌ها روی دست گرفته شود؛
۴. تدوین استراتژی‌های مشخص و معین جهت بر طرف نمودن نگرانی‌های کشورهای همسایه و سهیم ساختن آن‌ها در منافع ایجاد شده؛
۵. دخیل ساختن کشورهای تأثیرگذار در قراردادهای تفاهم‌نامه‌های ترانزیتی منطقه‌ای.

منابع و مأخذ

- آریا، سلطان احمد. (۱۳۹۴). تاپی؛ برد، برد یا باخت، باد؟ روزنامه ماندگار، سال هفتم، شماره ۱۷۱۰، چهارشنبه، ۷ دلو ۱۳۹۴.
- امین، حمیدالله. (۱۳۴۹). نظری به تجارت خارجی افغانستان. قابل دسترس در: http://dx.doi.org/10.2458/azu_acku_hf3770_6_alif89_1350
- ایوبی، حفیظ الله. (۱۴۰۲). جایگاه ترانزیتی افغانستان. مجله علمی کهن‌دز پوهنتون کندز، ۲ (۱۰)، ۶۵-۷۸.
- بینا. (۱۳۸۷). استراتژی همکاری‌های منطقه‌ای ۱۳۷۸-۱۳۹۲. کابل: دارالانشای استراتژی‌ی انکشاف ملی افغانستان.
- ترابی، قاسم و صانعی، راضیه. (۱۳۹۵). موانع تحقق ابرپروژه جاده ابریشم از چشم‌انداز نظریه همگرایی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۳۵ (۱۲)، ۷-۲۶. <https://sanad.iau.ir/Journal/psq/Article/1102899>
- دودیل، محمد بشیر. (۲۰۲۰). افغانستان و جیوپولیتیک و جیواکونومیک منطقه. فصلنامه آنالین افغان جرمن.
- دوست، محمد انور. (۱۳۵۳). اقتصاد بین‌المللی و ممالک روبه انکشاف. پشاور: آمو عرفان.
- رحیمی، حسین. (۱۳۹۳). افغانستان و سازمان‌های همکاری‌های منطقه‌ای. کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.
- رحیمی، سردار محمد. (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل: انتشارات سعید.
- رضایی ارجودی، عبدالرضا، تسبیحی، آمنه، و شهنی دزفولیان، رضا. (۱۳۹۵). الگوی اثر ترانزیت بر بخش حمل و نقل جاده‌ای با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری (VAR). کنگره ملی مهندسی عمران. <https://sid.ir/paper/887822/fa> SID.
- ره‌نوردغلامی، حسن. (۱۳۹۸). نقش استراتژیک راه لاجورد در توسعه و پایداری اقتصادی افغانستان و منطقه. http://www.researchgate.net/publication/358235773_nqsh_astratyzyhky_rah_lajwrd

سروش، حسن. (۱۳۹۳). موقعیت ژئو/اقتصادی افغانستان و اهمیت آن برای اقتصاد بین آسیایی مرکزی و آسیای جنوبی، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.

صمیمی، شیرعلی. (۲۰۱۸). بررسی مقایسه اهمیت اقتصادی راه ابریشم و راه لاجورد در افغانستان. طنین، ظاهر. (۱۳۸۴). افغانستان در قرن بیستم. بنیاد/اندیشه، تهران: انتشارات محمد ابراهیم شریعتی.

علیرضایی، محمد حنیف. (۱۳۹۰). افغانستان و اهمیت انرژی. فصلنامه مطالعات/استراتژیک، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۱۸-۱۳۶.

غبار، میر غلام محمد. (۱۳۸۸). افغانستان در مسیر تاریخ. پيشاور: دارالسلام کتب خانه. غیائی، توریالی. (۱۳۸۳). ما و جامعه مدنی. مشهد: کانون فرهنگی میهن.